

بررسی موردی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن

مهدی ایزدی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲

باب اله محمدی نبی کندی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۸

چکیده

سبک بیانی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معانی و مفاهیم ژرف آن جز با افزودن عبارات‌های تفسیری مقدور نیست و چاره‌ای از اعمال تغییرات دیگر وجود ندارد. از این رو با همه تلاشی که نویسندگان و مترجمان نمودند، باز هم پاسخگوی خوانندگان نیست. دلیل این امر وجود آیات مجملی است که دلالت‌شان روشن نیست. مقاله حاضر افزوده‌های تفسیری برخی از آیات سوره اسراء را از شش مترجم معاصر الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مشکینی و مکارم با توجه به تفاسیر و روایات موجود تحلیل و بررسی می‌نماید. در این زمینه ابتدا آیات و ترجمه آن استخراج گردیده و سپس نظریه‌های تفسیری برای تبیین کار مترجم آورده شده است. در پایان نیز تحلیل و بررسی بر اساس تفاسیر در هر آیه انجام گرفته است. بررسی افزوده‌های تفسیری برای نخستین بار است که در زمینه علوم قرآنی انجام می‌شود.

کلیدواژگان: قرآن کریم، سوره اسراء، افزوده‌های تفسیری، ترجمه‌های معاصر.

مقدمه

از آنجا که قرآن، به عنوان مهم‌ترین منبع برای بررسی‌ها و پژوهش‌های اسلامی محسوب می‌شود، لذا مفسران بسیاری تفاسیر متعددی را جهت تبیین ابعادی از کلام الهی به شیوه‌ای نو و متفاوت از دیگران ارائه نموده‌اند و این نکته قابل تأمل است که هیچ کس نمی‌تواند بیش از درجه فهم و اندازه درک خود به قرآن دست یابد (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۱: ۱۸۵-۲۱۲). علاوه بر این یکی دیگر از روش‌هایی که می‌تواند به فهم قرآن کمک کند ترجمه قرآن است؛ به طوری که قرآن را می‌توان یکی از پر ترجمه‌ترین کتاب‌ها دانست. ترجمه این کتاب با اهداف گوناگونی توسط مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان ترجمه شده و این رویکرد همچنان رو به افزایش است. موضوع ترجمه قرآن از زمانی که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب واقع گردید مطرح شد؛ و این بحث بین عالمان و دانشمندان اسلامی، مخالفان و موافقان پیدا کرد. بعضی حکم به تحریم ترجمه قرآن دادند و در مقابل، گروهی دیگر از عالمان ترجمه قرآن را جایز دانستند. دلایل مخالفان ترجمه قرآن را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- قرآن اثری شامل نظم و معناست که وقتی ترجمه شود، نظم و بخشی از مفاهیم آن از بین خواهد رفت.

۲- زبان قرآن، رمز وحدت مسلمانان است، و ترجمه آن برای یگانگی مسلمانان زیان‌بخش است.

۳- قرآن دارای جهاتی مانند اعجاز، استنباط، ضرب‌المثل‌ها و غیره است که ترجمه‌پذیر نیستند.

۴- ترجمه قرآن در واقع، فهم مترجم از قرآن است نه تمام معنی قرآن. بنابراین قرآن نیست.

در مقابل، دلایل موافقان ترجمه قرآن چنین است:

۱- ترجمه سوره حمد توسط سلمان برای ایرانیان و ترجمه سوره مریم برای پادشاه حبشه و ترجمه نامه‌های محمد (ص) که حاوی آیات قرآن در زمان پیامبر اسلام انجام پذیرفت و عدم مخالفت ایشان با هیچ‌یک از آن‌ها.

۲- فتوای ابوحنیفه و بسیاری از دانشمندان اهل تسنن، هم‌چنین نظر آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خوئی و دیگران بر مجازبودن ترجمه قرآن (ربیع نتاج، ۱۳۸۴: شماره ۳ و ۴).

۳- دعوت اسلام، مخصوص عرب‌ها نبوده، بلکه اسلام دین جهانی است و باید آن را با ترجمه برای جهانیان تبلیغ کرد. نشر قرآن عربی برای ملتی که زبان عربی نمی‌دانند، فایده‌چندانی ندارد.

۴- در برابر ترجمه‌های غلط و مغرضانه قرآن که توسط یهودیان و مسیحیان و دیگران شده، باید ترجمه‌هایی صحیح و مورد اعتماد ارائه شود؛ و در ثانی سبک بیانی قرآن به گونه‌ای است که ارائه معانی و مفاهیم ژرف آن جز با افزودن عبارت‌های تفسیری مقدور نیست و چاره‌ای از اعمال تغییرات دیگر وجود ندارد.

ما در این مقاله در صدد بررسی افزوده‌هایی که مترجمان (الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مکارم و مشکینی) در ترجمه‌های‌شان از قرآن ذکر نموده‌اند، از لحاظ ضرورت بیان آن‌ها و موافقت و یا عدم موافقت‌شان با آراء مفسران و حتی المقدور از روایات می‌باشیم. قابل ذکر است ترجمه‌هایی که عبارات افزوده مؤثر داشته آورده شده و از ذکر مابقی ترجمه‌ها خودداری شده است؛ و افزوده‌های مشترک حتی الامکان سعی شده است که با همدیگر نقد و بررسی شوند.

سوره اسراء یا بنی اسرائیل نام سوره هفدهم قرآن است. این سوره بنا بر رأی مشهور در مکه نازل شده است و طبعاً ویژگی‌های سور مکی در آن جمع است. پس از آشنایی مختصر با سوره اسراء، به بررسی برخی از افزوده‌های تفسیری این سوره از شش مترجم معاصر می‌پردازیم.

آیه اول

﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا﴾ (اسراء/۲)

ترجمه الهی قمشه‌ای: «و به موسی کتاب بخشیدیم و آن را رهنمودی برای بنی اسرائیل کردیم (و گفتیم) که به جای من کسی را کارساز مگیرید».

ترجمه مشکینی: «و ما به موسی کتاب دادیم و او را و کتاب او را راهنمای بنی اسرائیل کردیم که (به آن‌ها بگوید) غیر از من کسی را وکیل و کارساز نگیرید».

نظریه تفسیری

علامه طباطبائی می‌فرماید: جمله - وَجَعَلْنَا هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ - به منزله تفسیر برای فرستادن کتاب است و هدایت بودن آن همین است که شرایع پروردگارشان را برای‌شان بیان می‌کند، شرایعی که اگر به آن‌ها معتقد شوند و عمل کنند به سوی حق راه می‌یابند و به سعادت دو سرا نائل می‌گردند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/۳۶).

تحلیل و بررسی

افزوده‌ای که در این دو ترجمه قابل بحث است، فعل مقدر در جمله - أَلَا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا - است که در ترجمه مشکینی فعل امر (به آن‌ها بگوید) اتخاذ شده است، و در ترجمه آقای قمشه‌ای فعل ماضی (گفتیم) بیان شده است. در حالی که مفسران از جمله: طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶/۶۱۲)، مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۲۳) زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۲/۶۴۸) و فخر رازی (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۲۹۷) فعل مقدر را (گفتیم) در نظر گرفته‌اند. بنابراین افزوده تفسیری آقای مشکینی در این مورد مرجوح است.

آیه دوم

﴿وَقَصَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾
(اسراء/۴)

ترجمه الهی قمشه‌ای: «و در کتاب (تورات، یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی) خبر دادیم ... دو بار حتماً در زمین فساد و خونریزی می‌کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می‌یابید (یک بار به قتل اشعیا و مخالفت ارمیا، و بار دیگر به قتل زکریا و یحیی).

نظریه تفسیری

ما در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم که به طور قطع، نسل‌های شما در بلاد خود - یعنی بیت المقدس - دو بار فساد خواهند کرد. مقصود از فساد، ستم و گرفتن مال مردم و کشتن انبیا و خونریزی است. محمد بن اسحاق گوید: فساد اول ایشان قتل اشعیا

و فساد دوم ایشان، کشتن یحیی بود، ولی زکریا به مرگ طبیعی از دنیا رفت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶/۶۱۶).

ترجمه صفارزاده و مشکینی: «و ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات‌شان) حکم قطعی و اعلان حتمی کردیم که شما بی‌تردید دو بار در زمین (فلسطین) فساد خواهید کرد و طغیان بزرگی را مرتکب خواهید شد».

نظریه تفسیری

مکارم می‌گوید: «منظور از کلمه- الارض- به قرینه آیات بعد سرزمین مقدس فلسطین است که- مسجد الاقصی- در آن واقع شده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۱۲/۲۵).

تحلیل و بررسی

در این آیه افزوده‌های مورد نظر در ترجمه‌ها با اقوال مفسران مطابقت دارد. و آن افزوده‌ای که قابل بحث است افزوده تفسیری جمله- لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ- است که مفسران اقوال مختلفی را نقل کرده‌اند: زمخشری در «کشاف» این دو فساد را قتل یحیی (ع) و زندانی کردن /رمیا می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۴۹). و آلوسی در «روح المعانی» این فساد را قتل یحیی، اشعیا، زکریا (علیهم السلام) و حبس /رمیا می‌داند (ر.ک: آلوسی، محمود، ۱۴۱۵: ۸/۲۸۵). هم‌چنین در تفسیر عاملی آمده است که مقصود از دو نوبت فساد یکی کشتن زکریا بود که شاپور پادشاه ایران بر آن‌ها مسلط شد، و دوم کشتن یحیی بود که بخت النصر بر آن‌ها مسلط شد (عاملی، ۱۳۶۰: ۵/۴۱۴). با این وجود نمی‌توان به قولی ارجح در این زمینه دست پیدا کرد.

آیه سوم

﴿وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ (اسراء/۱۱)

ترجمه الهی قمشه/ی: «انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را می‌جوید (چه بسا به نادانی) با همان شوق و رغبت شر و زیان خود را می‌طلبد، و انسان بسیار بی‌صبر و شتاب‌کار است.

نظریه تفسیری

انسان همانگونه که نیکی‌ها را طلب می‌کند به خاطر دستپاچگی و عدم مطالعه کافی به طلب بدی‌ها برمی‌خیزد، چراکه انسان ذاتاً عَجول است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۴۰/۱۲).

ترجمه صفارزاده: «زیرا انسان موجودی کم صبر و شتابزده است او به مصلحت خویش آنگونه که عقل حکم می‌کند نمی‌اندیشد در حالی که بهتر است در امور به خداوند دانا توکل کند».

نظریه تفسیری

تنها راه رسیدن به خیر و سعادت آن است که انسان در هر کار قدم می‌گذارد با نهایت دقت و هوشیاری و دور از هرگونه عجله و شتابزدگی تمام جوانب را بررسی کند و از خدا در این یاری بطلبد تا راه خیر و سعادت را بیابد و در پرتگاه و بیراهه گام نهد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۴۲/۱۲).

ترجمه مشکینی: و انسان (از روی جهل به واقع، و یا در حال غضب) شرّ و ضرر را (از خدا) می‌طلبد همانگونه که خیر را می‌طلبد، و انسان (ذاتاً) شتابزده است (هرچه را هوای نفس‌اش اقتضا کرد بدون تأمل در عاقبت آن می‌طلبد).

نظریه‌های تفسیری

در ترجمه فوق صحت افزوده اول (از روی جهل به واقع) روشن شد. در این ترجمه دو وجه برای طلب خیر و شر فرض شده است: ۱- از روی جهل و نادانی که مورد بررسی قرار گرفت. ۲- اینکه انسان از روی غضب امری را می‌طلبد که طبرسی این چنین این مطلب را شرح می‌دهد: گاهی که انسان دچار خشم شده است، درباره خود و بستگان و مال خود دعایی می‌کند که نباید مستجاب شود (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۱۹).

افزوده چهارم: در جمله - وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا - افزوده تفسیری (هرچه را هوای نفس‌اش اقتضا کرد بدون تأمل در عاقبت آن می‌طلبد) بیان شده است که این طور قابل توجیه است: - وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا - : مبنی بر توبیخ است؛ عجله به معنای شتابزدگی است. بشر در اثر کوتاه نظری به آنچه به آن تمایل کند و هوی و هوس او آن را بخواهد رو می‌آورد بدون اینکه در آن باره بیندیشد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۱/۱۰).

تحلیل و بررسی

مترجمان قمشه‌ای و مشکینی علت درخواست کارهای خیر را که به شر منتهی می‌شود نادانی انسان دانسته‌اند. این مطلب با توجه به «تفسیر نمونه» که بیان شد صحیح است. ولی علامه علت این امر را عجز بودن انسان و شتابزدگی او می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۹/۱۳). که مکارم و صفارزاده این قول را بیان نموده‌اند. قرشی در این موضوع می‌نویسد: منظور از فعل - یدع - طلب و خواستن است یعنی شر را مانند خیر می‌طلبد علت این کار عجز بودن انسان است (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۳/۶). به نظر می‌رسد که با توجه به اقوال مفسران و سیاق آیه، دو مترجم اخیر نظر برتری را ارائه داده‌اند.

آیه چهارم

﴿وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا يَبْدُرْ تَبْدِيرًا﴾ (اسراء / ۲۶)

ترجمه الهی قمشه‌ای: «و (ای رسول ما) تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار.»

ترجمه صفارزاده: «(ای انسان) حق خویشاوندان و نیازمندان و در راه سفرماندگان را بپرداز اما به هیچ وجه اسراف نکن.»

نظریه های تفسیری

طبرسی در تفسیر خود آورده است: خداوند، پیامبر خود را تشویق می‌کند که حق اشخاص را بدهد و به آنها انفاق کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۳۳). در بعضی از تفاسیر خطاب خداوند در این آیه را به انسان دانسته‌اند: از جمله «تفسیر نمونه» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۸۶/۱۲)، تفسیر «احسن الحدیث» و تفسیر «منهج الصادقین» (ر.ک: قرشی: ۶۱/۶؛ ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶: ۵/۲۸۶).

ترجمه مشکینی: «و حق خویشاوند (حق خویشان خود و حق خویشان پیامبرت) و حق فقیر و وامانده در راه را بپرداز، و هیچ نوع اسراف و ریخت و پاش (که صرف مال در راه حرام و تجاوز از حد در حلال است) مکن.»

نظریه‌های تفسیری

منظور از ذَا الْقُرْبَىٰ نَزْدِيكَانَ پیامبر(ص) هستند(ر.ک: ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۶ / ۹۵).
- وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ - : یعنی زکات را که حق مستمندان و مسافرانی است که از بلاد خود دور مانده و مخارجشان تمام شده است، به ایشان بده(ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۳۳). - وَ لَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا - یعنی مال ات را در راه حرام و گناه مصرف نکن(ر.ک: ثعلبی نیشابوری: ۹۵ / ۶). هم‌چنین ابن عباس و ابن مسعود گویند: مبذر کسی است که مال را به ناحق خرج می‌کند(طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۲۴).

تحلیل و بررسی

مترجمان خطاب آیه را پیامبر(ص) و انسان می‌دانند که با توجه به تفاسیر بیان شده در نظریه تفسیری هر دو مورد صحیح است. ثقفی تهرانی خطاب آیه را این چنین بیان می‌کند: اگرچه در ظاهر خطاب آیه متوجه به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است ولی مقصود به خطاب عموم مکلفین و متعلق تکلیف کلیه حقوق اقارب است(ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۳ / ۳۵۵).

آیه پنجم

﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا﴾ (اسراء / ۴۲)

ترجمه الهی قمشه‌ای: «بگو: اگر با خدای یکتا چنانکه آن‌ها می‌گویند خدایان دیگری بود در این صورت آن خدایان بر خدای عرش(به تنازع) راه می‌گرفتند(و تمنع آنان موجب اختلال نظام عالم می‌شد. پس چون عالم را نظام ثابتی است دلیل است که با خدای یگانه خدایان دیگری نیست).

نظریه تفسیری

آیه از نظر تنزیه ساحت کبریائی تعبیر به ذی العرش نموده است و در این صورت به طور بداهت سبب اختلاف در تدبیر عالم گشته؛ بنابراین اختلال و فساد، نظام جهان را فرا خواهد گرفت(حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۷۶).

ترجمه خرمشاهی: «بگو اگر چنان که می‌گویند در جنب او خدایانی هم بودند، در آن صورت به سوی خداوند صاحب عرش [برای معارضه یا تقرب] راه می‌برند. ترجمه مشکینی: «بگو: اگر چنانکه آن‌ها می‌گویند با خداوند معبودهایی وجود داشت در آن حال حتماً به سوی خدای صاحب عرش راهی می‌جستند (تا بر او برتری جویند و او را ساقط کنند، یا در ملک او شریک شوند و یا حداقل در نزد او مقرب گردند).

نظریه تفسیری

میبدی در «کشف الأسرار و عدة الأبرار» دو معنا را بیان کرده است یک: آن خدایان اگر بودند با خداوند به مبارزه برمی‌خاستند. دو: آن خدایان اگر بودند به خداوند عرش تقرب می‌کردند و نزدیکی می‌جستند (میبدی، ۱۳۷۱: ۵ / ۵۵۸).

تحلیل و بررسی

افزوده‌ای که الهی قمشه‌ای در ترجمه خویش آورده با تفسیر «انوار درخشان» در ذیل آیه مورد نظر به گونه‌ای منطبق است، ولی مفسران بزرگ به چنین نتیجه‌ای نرسیدند. مکارم در تفسیر این آیه و آیه ۲۲ سوره انبیاء چنین بیان می‌کند: - لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا-: اگر در زمین و آسمان خدایان دیگری جز الله وجود داشتند نظام جهان به هم می‌ریخت؛ اشتباه نشود، این آیه و آیه مورد بحث گرچه از پاره‌ای جهات شبیه اند ولی اشاره به دو دلیل مختلف می‌کنند که یکی بازگشت به فساد نظم جهان بر اثر تعدد خدایان است، و دیگری قطع نظر از نظم جهان از وجود تمانع و تنازع در میان خدایان متعدد سخن می‌گوید (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲ / ۱۳۱).

و هم‌چنین علامه نیز در تفسیر خویش بیان این مترجم را مانند مکارم رد می‌نماید (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۱۰۷). هم‌چنین افزوده‌ای که این دو مترجم اخیر آورده‌اند با تفسیر «کشف الأسرار» در ذیل آیه منطبق است، ولی با سخن علامه در قسمتی معارض است. علامه در رد تقرب خدایان به خدا در تفسیر این آیه می‌نویسد: برخی از مفسرین گفته‌اند مراد از جست‌وجوی راهی به سوی خدای ذی العرش این است که راهی به او پیدا کنند تا مقرب درگاه او شوند، که این جمله صحیح نیست، و چنانچه بخواهیم آن را توجیه نموده و بگوئیم اگر با خدا خدایان دیگر می‌بود آنطور که مشرکین پنداشته‌اند، حتماً آن خدایان در مقام تقرب به خدای تعالی برمی‌آمدند، چون

می‌دانستند که او ما فوق ایشان است، و کسی که محتاج به ما فوق خود باشد اله و خدا نیست و الوهیت با احتیاج و زبردستی نمی‌سازد راه بیهوده‌ای پیموده‌ایم (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۷/۱۳).

آیه ششم

﴿أَوْحَلَقْنَا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا﴾ (اسراء/ ۵۱)

ترجمه الهی قمشه‌ای: «یا خلقتی (سخت‌تر از سنگ و آهن) از آنچه در دل‌تان بزرگ می‌نماید (باز به امر خدا زنده می‌شوید) پس خواهند گفت: که ما را دوباره زنده می‌کند؟ بگو: شاید که از حوادث نزدیک باشد (زیرا مرگ به هر کس نزدیک است و قیامت‌اش به مرگ برپا می‌شود).

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول و دوم: حتی اگر مخلوقی از سنگ و آهن سخت‌تر و از حیات و از زندگی دورتر، و از این جهت در نظر شما بسیار بزرگ باشد باز خداوند می‌تواند جامه حیات در تن آن کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۱۵۳).

افزوده سوم

اگر قیامت در مقیاس‌های کوچک و محدود ما دور به نظر برسد آستانه قیامت که مرگ است به همه ما نزدیک است چراکه مرگ قیامت صغری است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳/ ۱۵۵).

ترجمه خرمشاهی و مشکینی: در افزوده جمله - فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا - چنین نوشته‌اند: خواهند گفت چه کسی ما را [پس از مرگ] باز می‌گرداند؟

نظریه تفسیری

طبرسی می‌گوید: هرگاه، این مطلب را به آن‌ها بگویی، خواهند گفت: چه کسی ما را پس از مرگ، زنده می‌کند؟ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/ ۶۳۸).

ترجمه خرمشاهی: آنگاه در برابر تو سرهای‌شان را [به علامت انکار] تکان می‌دهند و می‌گویند ...

ترجمه مکارم: ... آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می‌کنند و می‌گویند ...

ترجمه صفارزاده: ... آن‌ها سر خود را [به علامت تردید] تکان می‌دهند و می‌گویند...
إِنْعَاضاً [نغضاً] الشیء: آن چیز تکان خورد و لرزان شد، - أنغض رأسه: سر خود را با تعجب و ریشخند تکان داد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۱: ۸۱۶/۱).

تحلیل و بررسی

افزوده‌های بررسی شده با اقوال مفسران مطابقت دارند. افزوده قابل بحث این است که مشرکان با حرکت سر خودشان درصدد انکار معاد هستند که مترجمان خرمشاهی و مکارم به درستی افزوده را به کار برده‌اند. ولی صفارزاده آن را به معنای علامت تردید استعمال نموده است. در حالی مفسران و لغویون همچون طبرسی در «مجمع البیان»، مکارم در «تفسیر نمونه»، زمخشری در «الکشاف»، آلوسی در «روح المعانی» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۴۹؛ ر.ک: مکارم شیرازی: ۱۲/۱۵۴؛ ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۷۲؛ ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/۸۹). و طریحی در «مجمع البحرین» فعل - فَسَيُنْغِضُونَ - را به معنای سر خویش را با تعجب و ریشخند حرکت دادن بیان کرده است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ۱۴/۲۳۱).

آیه هفتم

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ (اسراء/ ۶۰)

ترجمه الهی قمشه‌ای: ... ما رؤیایی را که به تو ارائه دادیم و درختی را که به لعن در قرآن یاد شده (درخت نژاد بنی امیه و همه ظالمان عالم) قرار ندادیم جز برای آزمایش و امتحان مردم. و ما آن‌ها را می‌ترسانیم و لیکن آیات بر آن‌ها جز طغیان بزرگ چیزی نیفزاید.

از امام جعفر صادق (ع) نقل است که شجره ملعونه، همان بنی امیه هستند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳/۵۵۴). «تفسیر نمونه» منظور از شجره ملعونه را علاوه بر آن چیزی که در بحث حدیث گذشت، ظالمان نیز می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۱۷۴).

ترجمه مشکینی: «و زمانی که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه (علمی و توانی) دارد، (پس غمگین مشو و در کار خود ثابت باش) و ما آن خوابی را که به تو نمایانیم (که بوزینگانی از منبرت بالا می‌روند) و آن درخت لعنت شده در قرآن را (که شجره خبیثه بنی امیه است) جز آزمایشی برای مردم قرار ندادیم...».

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول و دوم: خداوند پیامبرش را در برابر سرسختی و لجاجت دشمنان دلداری می‌دهد و می‌گوید: به خاطر بیاور هنگامی را که ما به تو گفتیم پروردگارت از وضع مردم به خوبی آگاه است و احاطه علمی به آن‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۱۷۴).
افزوده سوم: جمعی از مفسران شیعه و اهل تسنن نقل کرده‌اند که این خواب اشاره به جریان معروفی دارد که پیامبر (ص) در خواب دید میمون‌هایی از منبر او بالا می‌روند و پائین می‌آیند، بسیار از این مسأله غمگین شد، آنچنان که بعد از آن کم‌تر می‌خندید (مکارم شیرازی، ۱۴۱۲: ۱۲/۱۷۴).

تحلیل و بررسی

مترجمان مذکور منظور از شجره ملعونه را بنی امیه بیان کرده‌اند؛ این در حالی است که مفسران اهل سنت مانند شوکانی، زمخشری، فخر رازی و ابوحیان اندلسی آن را درخت زقوم دانسته‌اند (ر.ک: شوکانی، ۱۴۱۴: ۳/۲۸۴؛ ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۶۷۵؛ ر.ک: فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۰/۳۶۰؛ ر.ک: اندلسی ابوحیان، ۱۴۲۰: ۳/۷۳). و مفسران شیعی آن را بر بنی امیه حمل کرده‌اند.

آیه هشتم

﴿وَاسْتَفْزِرْ مِنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمُ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (اسراء/ ۶۴)

ترجمه خرمشاهی: «... و با آنان در اموال و اولاد شریک شو، و به آنان وعده [های رنگین] بده...».

ترجمه صفارزاده: «و در ثروت و فرزندان‌شان با آن‌ها شریک باش [که از مال حرام نپرهیزند و فرزندان‌ی غیر صالح تربیت کنند] و آن‌ها را با وعده‌های دروغین سرگرم کن...».

نظریه تفسیری

شرکت کردن شیطان با آدمی در مال و فرزند سهم بردن از منفعت و اختصاص است؛ یعنی یا از راه حرام تحصیل مال نماید و یا از راه حرام فرزند برای آدمی به دنیا آید، و لیکن به تربیت دینی و صالح تربیت اش نکند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۱۴۷-۱۴۶). وعده ابلیس جز فریب و غرور و دروغ، چیز دیگری نخواهد بود، در صورتی که وعده‌های پروردگار همه راست هستند (نجفی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۱۰۴).

ترجمه مشکینی: و هر کس از آن‌ها را بتوانی به آوای خود (به سوی گناه) برانگیزی، و بر آن‌ها (برای راندن به سوی معاصی) با سواره‌ها و پیاده‌های (لشکر) خود بانگ بزن، و با آن‌ها در اموال و فرزندان شرکت نما، و آن‌ها را (در ترک هر واجب و انجام هر حرام) وعده ده و هرگز شیطان به آن‌ها غیر از فریب و نیرنگ وعده‌ای نمی‌دهد.

نظریه‌های تفسیری

افزوده اول: با آوازت از ذریه آدم هر که را که می‌توانی گمراه و به معصیت وادار بکن (نجفی خمینی، ۱۳۹۰: ۱۰ / ۱۴۶).

افزوده دوم و سوم: معنایش این است که برای به راه انداختن آنان به سوی معصیت به لشکریان ات اعم از سواره نظام و پیاده نظام دستور بده تا پیوسته بر سر آنان بزنند (همان).

افزوده چهارم: مقصود از وعده در اینجا به معنای ترغیب شیطان به سوی اعتقاد باطل و دور شدن از اعتقاد حق است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۳۶۸).

تحلیل و بررسی

می‌توان گفت از بین مترجمان صفارزاده بهترین عملکرد را در این آیه داشته‌اند. هرچند ایشان باید وعده‌های دروغین را در داخل پرانتز می‌آورد زیرا از آن به عنوان افزوده تفسیری استفاده کرده است. قابل ذکر است در ترجمه مشکینی افزوده چهارم را (در ترک هر واجب و انجام هر حرام) که در افزوده کلمه وعده است. اکثر مفسران من جمله کاشانی (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۵ / ۲۹۰)، طنطاوی (ر.ک: طنطاوی، بی تا: ۸ / ۳۸۹) و سبزواری نجفی (ر.ک: سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۴ / ۳۰۲) به معنای وعده باطل گرفته‌اند که بهتر است در ترجمه‌ها و همچنین ترجمه ایشان به همین معنا به کار رود. هم‌چنین

در ترجمه خرمشاهی منظور از وعده‌های رنگین باید مشخص شود (زیرا مصداق‌های زیادی می‌تواند داشته باشد).

نتیجه بحث

آنچه پس از تحلیل و بررسی از مقاله حاضر به دست می‌آید در مطالب ذیل خلاصه می‌شود:

۱- افزوده‌های تفسیری نقش مؤثری در درک و فهم قرآن دارد. از میان مترجمان قرآن، افزوده‌های تفسیری شش مترجم منتخب، یعنی الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مکارم و مشکینی را در این مقاله تحلیل و بررسی نمودیم. از مترجمان مذکور بیش‌ترین افزوده را آقای مشکینی و بعد از ایشان الهی قمشه‌ای و کم‌ترین افزوده را آقای خرمشاهی و فولادوند به کار برده‌اند.

۲- افزوده‌های بکاررفته از سوی مترجمان غالباً در داخل پراتز یا کادر قرار گرفته‌اند. در این میان خانم صفارزاده برخی از افزوده‌ها را درون‌متنی به کار برده که این موضوع گاهی باعث فهم بیش‌تر مخاطب از قرآن شده است و گاهی نیز برای محققان دشواری‌هایی به دلیل خلط آن با ترجمه متن قرآن برای بررسی افزوده‌ها به وجود آورده است.

۳- مترجمان توانسته‌اند حتی الامکان افزوده‌های مناسبی را با توجه به آراء مفسران به کار برند. از بین مترجمان آقای مشکینی با اینکه بیش‌ترین افزوده را به کار برده توانسته است، از جهت صحت افزوده‌ها، با توجه با اقوال مفسران نیز بیش‌ترین افزوده‌ها را به کار برد. قابل ذکر است آقای مکارم که یکی از مفسران قرآن است، افزوده ایشان با توجه به تفسیر خود و تفاسیر دیگر بررسی شد که در بیش‌تر مواقع توانسته است افزوده‌های درستی را به کار برد. اما خانم صفارزاده که افزوده زیادی را نیز به کار برده است، از میان مترجمان مذکور با توجه به آراء مفسران در قسمت تحلیل و بررسی نقد بیش‌تری بر ایشان وارد شده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف. ۱۴۲۰ق، **البحر المحيط فی التفسیر**، بیروت: دار الفکر.
- الهی قمشهای، مهدی. ۱۳۸۰ش، **ترجمه قرآن**، چاپ سوم، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- آلوسی، محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة، چاپ اول، تهران: بنیاد بعثت.
- ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم. ۱۴۲۲ق، **کشف البیان عن تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۹۸ق، **روان جاوید**، چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان.
- حاکم حسکانی. ۱۴۱۱ق، **شواهد التنزیل**، بی‌جا: مؤسسه چاپ و نشر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، چاپ اول، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران: بی‌نا.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۳ش، **ترجمه قرآن**، بی‌جا: انتشارات نیلوفر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۲۱ق، **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، دمشق- بیروت: دار العلم-الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله. ۱۴۰۶ق، **الجدید فی تفسیر القرآن المجید**، چاپ اول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- شوکانی، محمد بن علی. ۱۴۱۴ق، **فتح القدیر**، چاپ اول، دمشق: دار ابن کثیر.
- صفارزاده، طاهره. ۱۳۸۰ش، **ترجمه قرآن**، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی جهان‌رایانه کوثر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرین**، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- طنطاوی، محمد. بی تا، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، بی جا: بی نا.
- عاملی، ابراهیم. ۱۳۶۰ش، **تفسیر عاملی**، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات صدوق.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، **مفاتیح الغیب**، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فولادوند، محمد مهدی. ۱۴۱۵ق، **ترجمه قرآن**، چاپ اول، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱ش، **قاموس قرآن**، بی جا: دار الکتب الاسلامیه.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۷ش، **أحسن الحدیث**، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷ش، **تفسیر قمی**، چاپ چهارم، قم: دار الکتب.
- کاشانی، ملا فتح الله. ۱۳۳۶ش، **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- مشکینی، علی. ۱۳۸۱ش، **ترجمه قرآن**، چاپ دوم، قم: نشر الهادی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۳ش، **ترجمه قرآن**، چاپ دوم، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مبیدی، رشید الدین. ۱۳۷۱ش، **کشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجفی خمینی، محمدجواد. ۱۳۹۰ق، **تفسیر آسان**، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.

مقالات

- ربیع نتاج، سید علی اکبر. ۱۳۸۴ش، «**ادله علمی بر جواز ترجمه قرآن کریم**»، نشریه زبان و علوم قرآن، شماره ۳ و ۴.
- نبیان، پروین. ۱۳۹۱ش، «**نگرشی نو بر روش اجتهادی فهم و تفسیر قرآن**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۵۸-۲۱۲.